

طوبی و مهتاب؛ تجربه دو طرد شده

Photo: SpeedKingz/www.shutterstock.com

مازیار بهرامی

دختر شهیدی که کارتن خواب شد

فرزند شهید است، با خانواده‌ای مرفه. وقتی به ازدواجی روی می‌آورد که خانواده با آن موافق نیست، از سوی مادر کاملاً طرد می‌شود. ازدواج ناموفق است و به جدایی می‌انجامد. حتی تنهایی و بی‌پناهی دختر، خانواده را به آشتی با او ترغیب نمی‌کند.

مهتاب که می‌بیند راهی به خانه ندارد، بساط کارتن‌خوابی را در پارک‌های تهران پهن می‌کند. او حالا دیگر برای رهایی از فشارهای روانی، به مواد مخدر هم روی آورده است.

ازدواج دوباره مهتاب با مردی است که او هم بی‌خانمان است. لای همین بساط سرنگ‌های آلوده و سوز سرمای شب‌های زمستان، خانواده آنها سه نفره می‌شود. این سطح از فلاکت هم دل خانواده مهتاب را برای کمک به رحم نمی‌آورد؛ «هر چه بوده او با آبروی خانواده‌اش بازی کرده و حالا دارد تاوانش را پس می‌دهد.»

این «بی‌آبرویی» مورد نظر خانواده مهتاب که منجر به پس زدن او برای همیشه شده البته پدیده نادری نیست.

در کنار ازدواج بدون مجوز خانواده، اعتیاد زنان به تشدید طرد آنها از سوی جامعه کمک می‌کند. زنان معتاد به ویژه در جوامعی با ساختارهای مردسالارانه به عنوان موجوداتی فاقد ارزش و حتی به عنوان «بزهکار» شناخته شده و از سوی دیگران پس زده می‌شوند. این «دیگران» البته شامل خانواده فرد نیز می‌شود. اعتیاد زنان اغلب نشانه فرو غلتیدن آنان در انواع رفتارهای ضد اخلاقی است. در این حالت، روابط عاطفی و انواع حمایت‌های خانوادگی آنان قطع می‌شود و این مساله آغاز مشکلات جدیدتر و خطرناک‌تری است.

طوبی ساقی مواد مخدر بود

برای یک تحقیق دانشگاهی در زمینه زنان دچار اعتیاد به یکی از پارک‌های محل رفت و آمد آنها رفته بودم.

طوبی را که یک زن حدوداً ۵۰ ساله به نظر می‌رسید، روی یکی از صندلی‌ها نشسته دیدم در حالی که عروسک می‌بافت. مشخص بود ساقی حرفه‌ای نیست و تنها برای گذران زندگی روزمره به مصرف و فروش مواد مخدر روی آورده است.

محتاطانه سر صحبت را در مورد دلیل روی آوردنش به اعتیاد باز کردم. گرم عروسک‌بافی، خاطره‌ای از دوران کودکی‌اش گفت. از میان تمام حرف‌های او هم شاید بتوان طرد از سوی خانواده در دوران کودکی را به عنوان دلیل اصلی حال و روز امروزش بیرون کشید:

«وقتی شش یا هفت ساله بودم و پدرم را از دست دادم، با مادرم به خانه دایی کوچ کردیم و در یکی از طبقات این خانه، ساکن شدیم. دایی‌ام هر شب مرا به زور مورد آزار جنسی قرار می‌داد. ابتدا از جلب اعتماد من کارش را شروع کرد و خیلی زود نیت خود را فاش ساخت. مقاومت‌های من هیچ نتیجه‌ای نداشت. به مادرم به عنوان تنها فرد زندگی‌ام روی آوردم. پاسخش نابودم کردم؛ دعوت به سکوت محض و حتی دعوا با من به خاطر اتهام‌زنی به برادرش.»

بیشتر بخوانید:

[معلولان و کنترل‌گری؛ خشونت به نام محبت](#)

[کودکانی که صدای‌شان به گوش‌ها نمی‌رسد](#)

پنج زندگی غمبار

ادامه آزار جنسی و طرد طوبی از طرف مادر آن هم در سن حساس شش تا هفت سالگی، برای او راهی جز فرار از خانه و پناه گرفتن در پارک و خیابان باقی نمی‌گذارد. در واقع طوبی دو مرحله از طرد را تجربه می‌کند. یکی طرد از سوی پدر با مرگ فیزیکی او و دیگری طرد از سوی مادر، وقتی تصویر حامیانه او در ذهنش می‌میرد.

طی سال‌ها خیابان خوابی، طوبی با مردی آشنا می‌شود و با او ازدواج می‌کند. این ازدواج آغاز دوباره یک زندگی آرام برای اوست. حالا او آماده است تا رخت سال‌ها خیابان خوابی و آزارهای کلامی، روانی و جسمی را از تن درآورد.

مرگ همسر اما خیلی زود این فرصت را از او می‌گیرد. خاطره سوءاستفاده جنسی دوران کودکی به همراه تنگدستی امروز برای طوبی راهی جز کشیده شدن به مسیر روسپیگری باقی نمی‌گذارد.

او که خودش معتقد است در صورت حمایت خانواده می‌توانست فردی موفق در جامعه باشد، حالا در برابر تامین حداقل معاش با دو نفر از «حاجی بازاری»های تهران رابطه جنسی دارد و هیچ‌کس هم در جریان بیماری‌های مقاربتی احتمالی او نیست.

•••

بر اساس یافته‌های یک [پژوهش](#) دانشگاهی میان «فقر و سابقه سوءاستفاده جنسی رابطه مثبت معنادار» وجود دارد.

این یعنی هر چه قدر فقر و سابقه آزار جنسی در فرد پررنگ‌تر باشد، احتمال گرایش او به تن‌فروشی بیشتر خواهد شد.

آزار جنسی و دیگر خشونت‌ها اما برای تبدیل شدن به بحران‌هایی مانند روسپیگری به یک میانجی مهم نیازمند است: طرد از سوی خانواده.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

تحقیقات زیادی نشان می‌دهند حتی بدترین خاطرات آزار جنسی در صورت وجود حمایت خانواده و روان‌درمانی، به این سرانجام دچار نخواهند شد.

تنها بر اساس یک پژوهش «الگوی نامناسب تعامل والدین با فرزند، بی‌ثباتی در خانواده، عدم حمایت و محبت، استفاده از نظم و انضباط پرخاشگرانه که با سطح پایینی از استدلال و سطح بالایی از پرخاشگری فیزیکی، کلامی و عاطفی همراه است با بروز رفتار پرخاشگرانه در کودکان رابطه دارد.»

همچنین «تعامل منفی والد-فرزند که منجر به کاهش نظارت‌پذیری فرزند و نظم و انضباط تنبیهی او می‌شود، به افزایش رفتارهای ضد اجتماعی همچون اعتیاد فرزندان کمک می‌کند.» (فصلنامه سلامت روانی کودک، دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۰۹۳۱، رابطه تعامل والد-فرزند و سطح پرخاشگری دانش‌آموزان)

•••

طوبی خود به روشنی می‌گوید: «اگر روزی که آزار جنسی را تحمل می‌کردم مادرم به جای خالی کردن پشتم حامی‌ام بود، هرگز در این مسیر قرار نمی‌گرفتم.»